



شخصیت‌های شهدا، منافقین و سازمان مجاهدین خلق مفهوم انتخاب راه درست و غلط را در زندگی برای مخاطب نوجوان و جوان تبیین کند و نشان دهد هر راهی که افراد در زندگی انتخاب می‌کنند، درست یا غلط، چه بازخورد و سرانجامی در زندگی‌شان دارد.

شیدا با بیان این‌که نگارش اثر برای نوجوانان و ارتباط آنها با کتاب همواره یکی از دغدغه‌های ذهنی او در مسیر پیش‌روی نویسندگی بوده، می‌گوید: در نگارش اثر سعی کردم قصه‌ای بنویسم که بیشترین ارتباط را با قشر نوجوان و جوان بگیرم. دوست نداشتم اثر این، کاری در سطح معمول، کلیشه‌ای فاقد کشش و جذابیت برای مخاطب نوجوان باشد. از این رویک رمان برای مخاطب نوجوان و جوان نوشتم. از نگارش کار راضی هستم و آن کشش و جذابیتی که نوجوانان دوست دارند در یک اثر ببینند در این کتاب ایجاد شده است. بزرگسالان نیز می‌توانند با شخصیت‌های داستان همراه شوند و تا پایان قصه آنها را دنبال کنند. اسم کار هم از این جهت واگن آخر شد که شهید عبدالرسول بعد از شهادت برادرش عبدالرضا به شدت تشنه و شیفته شهادت می‌شود و سعی می‌کند راه برادرش را ادامه دهد و دنبال این است که او هم از قافله شهدا و برادرش جا نماند و وقتی که جنگ به پایان نزدیک می‌شود قطار به مقصد پایانی می‌رسد. در آخرین ایستگاه به واگن قطار می‌چسبد و با خودش می‌گوید: یا شهید می‌شوم یا زنده می‌مانم.



چند دهه با جنگ فاصله داشته، بتواند با مضامین ایثار، شهید، شهادت و دفاع مقدس ارتباط برقرار کند.

«واگن آخر»؛ روایتی از دل‌آوری‌های دو برادر شهید از شیراز تا جنگ است

وقتی قلدر محله اشک ریخت!



نگارش این

اثر از سوی

فعالان پایگاه

بسیج مسجد

امام حسن (ع)

محله شیشه‌گری

پیشنهاد شد.

آنها قصد داشتند

اقدامی فرهنگی

در راستای

بزرگداشت مقام

شهیدان انجام

دهند

اعضای بسیج و سپاه، مهم‌ترین وقایع دوران انقلاب اسلامی ایران را که کمتر به آن پرداخته شده برای مخاطب امروزی به تصویر بکشد.

روایت شهدای محله شیشه‌گری شیراز

او در ابتدا با بیان چگونگی انتخاب روایت زندگی این شهیدان می‌گوید: این کتاب زندگینامه شهیدان سیدعبدالرضا و سیدعبدالرسول سجادیان است؛ دو برادر که با فاصله زمانی از همدیگر به شهادت می‌رسند. این دو برادر در واقع هردو در زمان حیات‌شان از فعالان مسجد امام حسن (ع) در محله شیشه‌گری شیراز بودند و نقش پررنگ و بسزایی در محله خود در فضای بسیج و مدیریت پایگاه برعهده داشتند. علاوه بر این، در آن زمان فضای دیگری در بیرون از مسجد و محله شیشه‌گری حاکم بوده است. این محله اراذل و اوباش زیاد داشته و شهیدان هم سعی می‌کردند با اخلاق و رفتارهایشان این افراد را به راه درست هدایت کنند، در غیر این صورت نیز جلوی رفتارهای نادرست آنها قد علم می‌کردند. شخصیت کاریزماتیک این دو شهید رفتار آدم‌هایی را که آنجا قلدری می‌کردند هم تحت تأثیر قرار می‌دهد و در آخر قصه می‌بینیم که قلدر محله هم بعد از شهادت این شهدا اشک می‌ریزد.

شناخت راه، روش و منش شهدا

خانم شیدا ادامه می‌دهد: نگارش این اثر از سوی فعالان پایگاه بسیج مسجد امام حسن (ع) محله شیشه‌گری پیشنهاد شد. آنها قصد داشتند اقدامی فرهنگی در راستای بزرگداشت مقام شهیدان انجام دهند که با بررسی و تحقیقات به این نتیجه رسیدم که در مورد شهیدان سجادیان بنویسم و از آنجا که قصه زندگی آنها بار دراماتیک داشت سعی کردم روایت قصه زندگی آنها را به شکل داستان درآورم. قصه‌هایی که در اطراف زندگی این دو برادر اتفاق می‌افتد، شاخصه اصلی زندگی آنها را در مبارزه با منافقان و اهداف‌شان نشان می‌دهد. اینجا شخصیت‌هایی به کمک قصه می‌آیند و باعث می‌شوند راه، روش و منش شهدا را بهتر و بیشتر معرفی کنیم و تا آخر داستان پیش ببریم.

تقابل خیر و شر در «واگن آخر»

تقابل خیر و شر، موازی در داستان تا انتها پیش می‌رود تا خواننده جوان کتاب ضمن آشنایی با سیاست و تفکرات مارکسیستی سازمان مجاهدین خلق که با روش مذهبی ولی درونی فاسد که همواره دم از توحید و جامعه توحیدی بدون طبقه می‌زنند، آشنا شوند. در این کار نویسنده سعی کرده در پردازش

وجیهه تقی‌زاده

خبرنگار

کتاب «واگن آخر»، مستندی داستان‌گونه از جنایات، توطئه‌های سازمان مجاهدین خلق و همچنین از خودگذشتگی و دل‌آوری پسران و مردان شهید ایران از همان آغاز نخستین جرقه انقلاب اسلامی تا پیروزی در جنگ تحمیلی است که به تازگی راهی بازار کتاب شده است. این اثر به قلم مریم شیدا، نویسنده فعال حوزه دفاع مقدس نوشته شده که از سال ۱۳۹۰ به جمع نویسندگان پیوسته است. او که خواهر شهید، جانباز و آزاده است از کودکی با مضامین شهید و شهادت آشنا شده و با چشمان خویش نظاره‌گر سال‌ها انتظار مادر برای بازگشت فرزندان به دامن خانواده بوده، دست به قلم می‌برد تا آنچه شنیده و دیده را روایت کند.

کتاب «پشت در بهشت» اولین اثر اوست که با محوریت دفاع مقدس نوشته شده است. در این کتاب، حدیث دختری جوان و هنرمند روایت می‌کند که برادرش حسین جانباز شیمیایی است. حسین برای درمان به آلمان می‌رود اما مداوا موثر نیست و حسین به شهادت می‌رسد. او که در سال ۱۴۰۱ به عنوان چهره هنری در قسمت ادبیات و پایداری در استان فارس شناخته شده، تاکنون ۱۶ اثر از جمله رمان پشت در بهشت، باران تشنه؛ جانباز آزاده احمد شیدا، عشق چرا ندارد، الشام؛ خاطرات حسین عباسی در چهل و پنج روز سفر به سوریه، آوریل ۱۳۰۱؛ روایت داستانی اکبر عبدا... نژاد شهید امنیت و... را نوشته است که کتاب میاندار و کتاب پشت در بهشت از جمله آثار برگزیده این نویسنده در جشنواره کتاب سال دفاع مقدس و کتاب سال ایثار و شهادت است. به تازگی، کتاب واگن آخر از این نویسنده اهل شیراز با طراحی جلد محمد رزاقی در قطع رقعی، ۲۶۷ صفحه و شمارگان هزار نسخه از سوی انتشارات به نشر منتشر شده که انتشار این اثر بهانه‌ای شد تا با این نویسنده به گفت‌وگو بپردازیم.

دغدغه معرفی دلیرمردان

شیدا که سال‌هاست دفاع مقدس را دستمایه خلق اثر ادبی قرار داده و تمام دغدغه‌اش معرفی دلیرمردانی از دیار نور به نسل جدید است، در کتاب واگن آخر نیز به سمت روایت قصه دو برادر از شهر شیراز می‌رود. این اثر که روایت داستانی زندگی دو برادر شهید سیدعبدالرضا و عبدالرسول سجادیان در شهر شیراز از مبارزان مخلص دوران انقلاب اسلامی است، تلاش کرده همراه با اشاراتی به زندگی خانوادگی شهیدان، اقدامات و مبارزات شخصیت‌های برجسته انقلابی همچون سید علاءالدین حسین صفوی، عبدالحسین دستغیب و سید نورالدین هاشمی به همراه فعالیت

ذره بین

آثارم را دوست دارم!

دفاع مقدس شدم و این مسیر را شناختم، علاقه پیدا کردم که در زمینه و موضوع دفاع مقدس بیشتر کار کنم و این مسیر را ادامه دهم. اکثر آثارم را دوست دارم زیرا آنچه به قلم تحریر درآمده با اشتیاق، دقت و ظرافت خاصی بوده است. ولیکن اثری که مورد استقبال مردم قرار گرفت و خوانندگان زیادی داشت رمان «مرا به مسیح بسپار» و رمان «پشت در بهشت» بود. او با تاکید بر این‌که نسل جدید، تصویر ذهنی کم‌رنگ از جنگ تحمیلی به خاطرات مرتبط با آن دوران دارند، تصریح می‌کند: هر هنرمند و نویسنده‌ای موظف است اثری را خلق کرده تا جوان امروزی که

او که آثاری دیگر در دست نوشتن دارد، باز هم سراغ قصه‌های دفاع مقدس می‌رود و از اهمیت نگارش در حوزه دفاع مقدس می‌گوید: از زمانی که خودم را شناختم به نویسندگی روی آوردم. ابتدا با نوشتن رمان‌های تخیلی شروع کردم ولی بعد از مدتی، وجود برادر شهیدم و برادر دیگرم که جانباز است و مجروحیت‌های پس از جنگ همچنان با او همراه بود و اتفاقاتی که در اسارت گذرانده بود، دغدغه ذهنی‌ام شد تا به سمت نوشتن با موضوع دفاع مقدس بروم. سرانجام سال ۱۳۹۰ دست به قلم برده و یک رمان در وصف زندگی برادرم و بازماندگان جنگ نوشتم ولی بعد که وارد فضای